



پیشگیری از جرم در پرتو اقدامات تامینی و تربیتی با تاکید بر آموزه‌های فقهی

امیر ارشدپور^۱
حسین خوانین‌زاده^{۲*}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

اقدامات تامینی و تربیتی یکی از ثمره‌های عملی جرم‌شناسی نظری است، که در روزگار معاصر به عنوان یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده سیاست جنایی کشورها بشمار می‌رود. امروزه تقسیم‌بندی‌های متعددی از سوی حقوقدانان در خصوص این اقدامات ارایه شده است. این اقدامات دستاورد عمده نهضت فکری علمی است که از قرن هجدهم در اروپا بر اساس عقاید جامعه‌شناسی کانت در زمینه حقوق جزا رایج و در قرن نوزدهم میلادی به ایجاد مکتب تحقیقی حقوق جزا منجر شده است، می‌باشد و از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی مکتب تحقیقی برای خنثی‌سازی «حالت خطرناک»، مقابله با بزهکاران به عادت و پیشگیری از تکرار جرم است که از اواخر سده نوزدهم مورد توجه نظام‌های کیفری قرار گرفته است. این اقدامات برای اولین بار به ابتکار کارل اشتوس، استاد سوئسی حقوق کیفری از طریق طرحی که وی در سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۲ برای قانون جزای سوئیس تهیه و ارایه کرده بود وارد قانون جزای سوئیس گردید. قانونگذاران سایر کشورها نیز به تبع آن و در کنار واکنش سنتی خود در برابر جرم یعنی مجازات، بتدریج این مفهوم را پذیرفته و در قوانین جزایی خود این مفهوم را پیش‌بینی نمودند. این نوشتار، با رویکرد و دیدگاهی کاربردی، ضمن بررسی فقهی و حقوقی اقدامات تامینی، در صدد بررسی نقش و تاثیر ویژه این اقدامات در پیشگیری از جرم می‌باشد.

واژگان کلیدی: اقدامات تامینی، پیشگیری از جرم، حالت خطرناک، مجرمین به عادت، اشیاء خطرناک

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. Law.1987@yahoo.com

^۲ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول):

hosein.khavaninzadeh2014@gmail.com

مقدمه

زندگی اجتماعی انسان‌ها، پیوندی ابدی و ناگسستنی با جرم داشته و خواهد داشت. به عبارت دیگر تا جامعه هست جرم نیز هست. دورکیم در قرائتی خاص از این وضعیت معتقد است: «جرم بخش به هنجار جامعه بوده و جزء مکمل آن است.» (وایت و هییز، ۱۳۸۳: ص ۱۴۸) به عبارتی او رخداد میزان معینی از جرایم را امری عادی و حتی از اسباب سلامت جامعه می‌پندارد به همین سبب برخی جرم‌شناسان، جایگاهی برای پیشگیری از جرم قایل نبوده و بر این باورند که به جای آن باید سخن از کاهش نرخ جرم به میان آورد، چرا که آرمان نابودی جرم، در عمل تا کنون میسر نشده و نخواهد داشت. فلذا طرفداران این طرز تفکر که کیفرشناسی نوین (عدالت سنجشی، تخمینی، محاسبه محور)^۱ خوانده می‌شوند، با اعتقاد به عدم امکان محو کلی جرایم، خواستار تقلیل آن در سطحی قابل قبول و قابل تحمل برای جامعه هستند. نکته قابل توجه در این میان این است، حتی بر فرض قبول این طرز تفکر و صحت عدم امکان نابودی کامل پدیده مجرمانه، این امر به معنای عدم قابلیت کنترل و کاهش نرخ جرایم از طریق کاربرد روش‌های پیشگیرانه نخواهد بود از جمله تدابیر و اقداماتی که در جهت جلوگیری از وقوع جرم و همچنین جلوگیری از پایداری در بزهکاری و یا تبدیل بزهکاران به بزهکاران مزمن و رفع حالت خطرناک می‌باشد، اقدامات تامینی می‌باشد. این اقدامات که ماهیتی متفاوت از مجازات‌ها دارند، جهت فروکش نمودن حالت خطرناک و پیشگیری از تکرار جرم ایجاد شده اند و به عبارت دیگر این اقدامات از جمله تدابیری است که در کنار سایر تدابیر در جوامع مختلف در جهت پیشگیری از جرم بکار می‌رود. سولاتی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در کشور ما اقدامات تامینی که در جهت پیشگیری از جرم بکار می‌رود شامل چه تدابیری می‌شود؟ ماهیت فقهی و حقوقی این اقدامات چیست؟ در این نوشتار با یک دیدگاه کاربردی و قابل اجرا در صدد پاسخ به این سولات فوق می‌باشیم.

۱. مفهوم پیشگیری

واژه پیشگیری را از نظر لغوی جلوگیری کردن، دفع، صیانت، مانع شدن، جلو بستن، جلوی وقوع چیزی را گرفتن و نیز اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته معنا کرده اند

^۱ actuarial justice

(معین، ۱۳۸۱: ص ۹۳۳). «پیشگیری از جرم» برای نخستین بار توسط آنریکوفری با عنوان «هم ارزهای کیفی» یا جانشین‌های کیفی مطرح شد و وی پی برده بود که نظام‌های کیفی به تنهایی نمی‌تواند برای مبارزه با بزهکاری موفق باشد و در کنار آن باید از مداخله‌های پیش از وقوع جرم به عنوان تدبیر تکمیلی بهره جست. بنابراین، از نظر وی پیشگیری از جرم در بر گیرنده تدابیر و اقداماتی است که جنبه قهرآمیز ندارند (نیازپور، ۱۳۸۲: ص ۱۲۵). در علم جرم‌شناسی نیز پیشگیری یعنی کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری.

واژه پیشگیری دارای دو مفهوم موسع و مضیق است بر اساس مفهوم موسع پیشگیری، هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر این اساس، انواع تدابیر کیفی و غیر کیفی چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم پیشگیری محسوب می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ص ۷۳۷).

در مقابل، مفهوم مضیق پیشگیری است که بر خلاف مفهوم موسع آن فقط تدابیر غیر کیفی قبل از وقوع جرم را در بر می‌گیرد. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزهکاری از دو طریق، مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱- از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا. ۲- از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (شاکری، ۱۳۸۲: ص ۹). آقای ریمون گسن پیشگیری را در مفهوم مضیق، این گونه تعریف می‌کند: «پیشگیری، هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تحدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آن هاست بدون این که از تهدید کیفی یا اجرای آن استفاده شود» (گسن، ۱۳۷۰: ص ۱۳۳). با عنایت مطالب یادشده و ضمن به رسمیت شناختن هر قسم از انواع پیشگیری به تعریف آنها می‌پردازیم.

۱-۱. پیشگیری غیر کیفی (کنشی یا پیشینی)

عبارت است از اقدام مناسب غیر کیفی که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی سازی علل جرم زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم، در صدد جلوگیری از رخ دادن بزه می‌باشد (معظمی، ۱۳۸۶: ص ۹۳). این پیشگیری از نظر ذاتی «اقدامی پیشینی» است و به دو گونه تقسیم می‌شود:

۱-۱-۱. پیشگیری وضعی (موقعیت مدار): ابعاد این قسم از پیشگیری اولین بار در سال ۱۹۸۳ توسط کلارک بدین صورت معرفی شد: «اقدامات معطوف به اشکال بسیار خاص جرم و متضمن مدیریت، طراحی یا دستکاری محیط مستقیم، تا سر حد امکان به صورت هدفمند و دایمی به منظور کاستن از فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش خطرات آن، به نحوی که توسط گستره وسیعی از مجرمین ادراک شود.» (ایرانشاهی، ۱۳۸۹: ص ۳۸) در واقع پیشگیری وضعی در بر گیرنده مجموعه تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی از ارتکاب بزه جلوگیری می‌کنند. (نیازپور، ۱۳۸۲: ص ۱۳۷) پیشگیری مزبور با به کار گیری اقدامات و روش‌هایی که در بر گیرنده مدیریت و طراحی محیط می‌باشد، در پی نشانه رفتن بسوی شکل ویژه‌ای از جرم و افزایش خطرات ناشی از اقدام به ارتکاب جرم است. (صفاری، ۱۳۸۰: ص ۲۹۲)

۱-۱-۲. پیشگیری اجتماعی: عبارت است از تمامی شیوه‌هایی که توسط اعضاء جامعه با هدف کاهش یا جلوگیری از میزان جرایم به کار گرفته می‌شود. به ویژه عملکردهایی را مدنظر دارد که با هدف پیشگیری از جرم صورت می‌گیرند. در واقع مفهوم پیشگیری اجتماعی بسیار گسترده است؛ و شامل تدابیر پیشگیرانه، قانع کننده، عملکردهای عمومی، خصوصی، روش‌ها و ابزارهای متقاعد کننده و منصرف کننده می‌شوند (کسن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲).

جناب آقای دکتر نجفی ابرند آبادی (۱۳۷۸: ص ۱۳۹) پیشگیری اجتماعی را اینگونه تعریف می‌نماید: «پیشگیری اجتماعی از بزهکاری شامل مجموعه اقدامات پیشگیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی کردن آن دسته از عواملی هستند که در تدوین جرم مؤثر بوده‌اند».

۱-۲. پیشگیری کیفری (واکنشی یا پسینی)

این قسم از پیشگیری ناظر به اقدامات کیفری بعد از وقوع جرم بوده که با بهره جستن از سازو کارهای نظام عدالت کیفری در صدد کاهش بزهکاری است، بدین معنا که تدبیر پیشگیرانه از جرم در بعد کیفری که در جوامع کنونی خود را به عنوان یکی از ابزارهای طلایی سیاست جنایی در سطوح مختلف قانونی، قضای، اجرایی و پلیسی شناسانده است، در بخشی از خویش از مجرای ضمانت اجراهای کیفری بر مرتکبان اعمال مجرمانه متعاقب آن نشان دادن بذر ارباب در دل مجرمان بالقوه و بالفعل و در بخشی دیگر از طریق اعمال اقدامات تامینی محقق می‌گردد.

این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد به دو گونه تقسیم

می‌شود:

۱-۲-۱. پیشگیری واکنشی عام: این پیشگیری مبتنی بر این فرض است که همه افراد جامعه بزهکار احتمالی هستند و می‌توان با استفاده از تهدید بالقوه، تهدید بالفعل به مجازات، حتمیت، قطعیت و سرعت در اجرای کیفر شهروندان را از ارتکاب جرم باز داشت (نیازپور، ۱۳۸۲: ص ۱۳۲).

۱-۲-۲. پیشگیری واکنشی خاص: این نوع از پیشگیری به دنبال دوباره تربیت کردن بزهکار از طریق تنبیه اوست و هدف این است که با اجرای برنامه‌ها و ابتکارات اصلاحی-درمانی بزهکار را دوباره اجتماعی کرده تا دیگر در ورطه بزهکاری نیفتد (نیاز پور، ۱۳۸۲: ص ۱۳۵).

۲. مفهوم اقدامات تامینی و تربیتی:

با توجه به واقعیت جامعه انسانی، جهت برقراری نظم و امنیت در کنار مجازات‌ها نیاز به یک سری اقدامات پیشگیرانه که در حقوق موضوعه تحت عنوان اقدامات تامینی و تربیتی از آن یاد می‌شود داریم.

این اقدامات و تدابیر هر چند وجوه اشتراکی با مجازات‌ها دارند و لیکن با عنایت به اینکه در اقدامات تامینی و تربیتی ما بر خلاف مجازات‌ها به دنبال اجرای عدالت نیستیم و توجهی نیز به مسولیت کیفری بزهکار نداریم بلکه صرفا اصلاح و تربیت مجدد بزهکار را مد نظر داشته و با در نظر گرفتن حالات روحی و روانی بزهکار و مجرم بالفعل طی اقداماتی که مدام قابل تغییر و تجدید نظر می‌باشد در جهت تربیت و اصلاح مجدد بزهکار می‌باشیم. میزان و مدت تدابیر موضوع اقدامات تامینی و تربیتی مشخص نبوده و معمولا تا بهبودی بزهکار ادامه می‌یابد. اقدامات تامینی و تربیتی در ماهیت با مجازات متفاوت و یک عنوان جداگانه از مجازات می‌باشند (قاسمی، ۱۳۷۴: ص ۳۸).

اقدامات تامینی و تربیتی واکنشی است مبنی بر حمایت پیشگیرانه که یکی از دو شکل واکنش علیه جرم محسوب می‌گردد. این واکنش حمایتی پیشگیرانه متضمن درمان و اصلاح مجرمی است (چه مسئول و چه غیر مسئول) که در حالت خطرناک، (یعنی حالتی که احتمال ارتکاب جرایم را توسط او جدی می‌نماید)، بسر می‌برد (بولک، ۱۳۷۲: ص ۵۴).

این اقدامات به جهت جلوگیری از جرایمی است که ممکن است احتمالا در آینده از طرف فرد خطرناک ارتکاب یابد، ویژگی آن این است که انفرادی، الزامی، و فاقد رنگ و شایبه اخلاقی است (صانعی، ۱۳۷۱: ص ۱۸۸). قانون، اقدامات تامینی را چنین تعریف کرده است: «اقدامات

تامینی عبارت‌اند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.^۱»

با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از اقدامات تامینی و تربیتی ارائه کرده است می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات تامینی و تربیتی جنبه پیشگیری و بازدارنده داشته و ناظر بر آینده می‌باشد (رهامی، ۱۳۸۱: ص ۲۴)

در واقع اقدامات تامینی، قبل از هر چیز، از ارتکاب جرایم توسط افرادی که بطور قطع حالت خطرناک دارند پیشگیری می‌نماید. منظور از اقدامات تامینی، اصلاح و دوباره اجتماعی کردن افراد با مراقبتهای ویژه و تامین شغل برای افراد است. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ص ۲۹۷)

جهت آشنایی بیشتر با مفهوم اقدامات تامینی و تربیتی، آگاهی از اهدافی که این اقدامات دنبال می‌کنند خالی از فایده نیست. مهم‌ترین اهدافی که اقدامات تامینی دنبال می‌کنند عبارتند از:

یک - حمایت از افراد از طریق اقدامات و ایجاد امکاناتی که نیازهای مردم را در زمینه‌های مادی و معنوی در مقابل ارتکاب جرایم و عواقب آن تامین و از کشش اشخاص به سوی ارتکاب جرم پیشگیری نماید.

دو - حفظ جامعه از تجاوز و تعدی تکرار کنندگان جرم.

سه - پیشگیری از وقوع جرایم به کمک وسایل تربیتی، معاضدتی و درمانی با توجه به بروز حالت خطرناک در متهمین احتمالی.

چهار - اقدامات لازم برای پیشگیری از وقوع جرایم از طریق بالابردن سطح فرهنگ و آموزش و پرورش مردم.

پنج - اصلاح بزهکار و آماده ساختن وی برای زندگی مجدد در جامعه. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ص ۲۸۵)

پس باید گفت؛ اقدامات تامینی و تربیتی را از این جهت که در صدد خنثی کردن حالت خطرناک مجرمان و جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی آنان می‌باشد را می‌توان نوعی پیشگیری کنشی دانست.

^۱ ماده یک قانون اقدامات تامینی و تربیتی، مصوب ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۹

۳. مفهوم حالت خطرناک

اصولا اجرای اقدامات تامینی و تربیتی بنا بر علت خاصی ضرورت یافته است و این علت نیز وجود حالت خطرناک در فرد بزهکار می‌باشد. به عبارت دیگر به دلیل وجود حالت مزبور و اثرات ناشی از آن است که اقدامات تامینی و تربیتی نسبت به این فرد تا زمان رفع این حالت و اعاده سلامتی وی نسبت به وی اعمال می‌گردد. در قانون اقدامات تامینی و تربیتی حالت خطرناک تعریف نشده است و قانون‌گذار به جای آن در ماده یک قانون اقدامات تامینی و تربیتی به تعریف مجرم خطرناک پرداخته است. مطابق این ماده مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب جرم و جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد، اعم از اینکه قانونا مسئول باشند یا غیر مسئول (رهامی، ۱۳۸۱: ص ۲۶). بنابر این حالت خطرناک را می‌توان، احتمال ارتکاب جرم در آینده دانست. این حالت یک احتمال و ترس نسبت به آینده است که شخصی مجددا مرتکب جرم شود. اولین شخصی که عنوان حالت خطرناک را بکار برد؛ گاروفالو^۱ بود. او اولین شخصی بود که در سال ۱۸۷۸ مطالعاتی در خصوص حالات خطرناک انجام داد. اصطلاح حالت خطرناک از ابتدای قرن نوزدهم میلادی با پیشرفت علم روان پزشکی مطرح گردید. (آقایی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۵) از نظر بین المللی اصطلاح حالت خطرناک از سال ۱۹۱۰ نخستین بار در مجمع بین المللی حقوق جزا مورد بحث قرار گرفت و به تدریج وارد قوانین کیفری کشورهای مختلف گردید (گسن، ۱۳۷۰: ص ۵۰).

مکاتب کیفری با عقاید خاصی که داشتند، مواضع مختلفی در قبال حالت خطرناک و مبارزه با آن اتخاذ نمودند؛ مکتب تحقیقی با الهام از اندیشه مجبور بودن انسان برای ارتکاب جرم، اعتقاد به حمایت جامعه در مقابل مجرمان خطرناک داشت. گراماتیکا از مکتب دفاع اجتماعی بر این باور بود که باید قانون مجازات را لغو کرده و به اقدامات تامینی توسل جست. اما مارک آنسل که مکتب دفاع اجتماعی جدید را تاسیس کرد اعتقاد به تلفیق نظام سنتی (مسئولیت اخلاقی و ارادی) و دفاع اجتماعی داشت. (زرعت، ۱۳۸۵: ص ۳۶۱)

برای احراز حالت خطرناک در اشخاص توجه به پنج عامل زیر: ۱- سوابق مجرم (سوابق اجتماعی، سوابق پزشکی، و سوابق کیفری)، ۲- خصوصیات روحی مجرم، ۳- خصوصیات اخلاقی بزهکار، ۴- کیفیت ارتکاب جرم و ۵- جرم ارتكابی ضروری است. (قاسمی، ۱۳۷۴: ص ۸۸). در ادامه با انواع اقدامات تامینی و تربیتی آشنا خواهیم شد.

^۱ Garofalo

۴. انواع اقدامات تامینی و نقش آنها در پیشگیری از جرم:

۴-۱. اقدامات تامینی سالب آزادی

دسته‌ای از اقدامات تامینی به نوعی موجب سلب آزادی فرد دارای حالت خطرناک می‌شود. این دسته از اقدامات تامینی بشرح ذیل می‌باشد.

۱-۴. حبس تامینی: در مورد بعضی از گروه‌های بزهکاران اقدامات تامینی محدودکننده از جمله حبس علاوه بر مجازات مقرر به منظور پیشگیری از جرم اعمال می‌گردد. حتی فراتر از موارد فوق گاهی پیشنهاد شده است که تکرار کنندگان جرم که درآمد و معاش آن‌ها از طریق بزهکاری تامین می‌شود باید پس از ارتکاب جرم به صورت دائم زندانی شوند تا نرخ تکرار جرم کاهش یابد. زیرا چنین افرادی در طول زمان مرتکب جرم شده و بزهکار همیشگی اند و جرایم فراوانی را نیز مرتکب خواهند شد.

هر چند در موارد دیگر نیز حبس با مدت نامعین با هدف پیشگیری از تکرار جرم، برای بعضی از بزهکاران تجویز شده است ولی باید خاطر نشان کرد که چنین دیدگاه‌هایی همواره با ایرادهای فراوان دست به گریبان است و پیامدهای منفی فراوانی به همراه دارد. زیرا در چنین مواردی رسالت اصلاحی و بازپذیری مجدد به انجام نمی‌رسد، بلکه با مانع مواجه می‌شود. شخصی که برای مدت نامعین حبس می‌شود، انگیزه اصلاح‌پذیری خود را به دلیل ناامیدی از پایان حبس خود، از دست می‌دهد و سرنوشتی چون افسردگی و بیماری‌های روانی در انتظار اوست.

به موجب ماده ۵ قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹: «هرگاه کسی به علت ارتکاب جنایت یا جنحه عمدی که به موجب قانون مجازات حبس برای آن پیش بینی گردیده دو مرتبه یا بیشتر محکوم به حبس بیش از دو ماه شده و بعد از اجرای مجازات مرتکب جرمی شود که مستلزم مجازات حبس است و از این رو دادگاه تشخیص دهد که مشارالیه دارای حالت خطرناک بوده و تمایل به ارتکاب جرایم داشته باشد مجرم به عادت محسوب و دادگاه می‌تواند حکم نگهداری او را در تبعیدگاه برای مدت نامعینی صادر نماید. تبعیدگاه موسسه ای است که از طرف دولت به منظور مجرمین به عادت تاسیس گردیده است. محکومین به تبعید دارای لباس مخصوص بوده و غذای معینی از طرف موسسه دریافت می‌دارند. محکومین به تبعید حق مکاتبه و مراوده با خارج را ندارند مگر تحت نظارت اولیاء موسسه تبعید. محکوم به تبعید مجبور به انجام کارهایی است که برای او تعیین می‌شود. بطور کلی مجرمین در موسسه تبعید باید شبها به تنهایی و در سلول بسر برند و ...»

به نظر می‌رسد نگهداری محکوم به حبس در تبعیدگاه برای مدت نامعینی، به منظور پیشگیری از تکرار جرم از سوی آنان تجویز شده است.

۲-۱-۴. اقدامات تامینی و بیماران روانی (مجانین و افراد مختل المشاعر): نخستین گروهی که به موجب قانون اقدامات تامینی، اعمال اقدامات سالب آزادی به منظور پیشگیری از وقوع جرم نسبت به آنان انجام می‌پذیرد افراد دیوانه و فاقد ادراک می‌باشند.

جنون از لحاظ لغوی به معنای پوشیدن، پنهان شدن، در آمدن شب شیدایی، شیفتگی و دیوانگی است و در اصلاح به مفهوم چیرگی ظلمت بر شعور آدمی و پوشاندن عقل اوست (نوربها، ۱۳۸۶: ص ۳۰۲). در اصطلاح حقوقی جنون عبارت است از صفت کسی که فاقد تمیز نفع و ضرر و حسن وقیح است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ص ۲۰۰). از لحاظ روان پزشکی نیز جنون انواع مختلفی چون پسیکوز، نوروز، پارانوئید، اسکیزوفرنی، و جنون عاطفی می‌باشد. در جنون هر چند فرد مجنون به دلیل ضعف یا فقدان قوه ادراک، فاقد قوه تشخیص و فاقد مسولیت کیفری می‌باشد ولیکن نباید خطر این فرد را برای جامعه فراموش کرد (Ashworth, 1991: p184). زمانی که فرد مجنون دست به ارتکاب جرم می‌زند دیگر یک مجنون ساده نیست، بلکه دیوانه ای است که بر چسب مجرم بودن را نیز به همراه دارد که در اینجا به به منظور حراست از اجتماع و آحاد مردم و نیز حمایت از فرد مجنون می‌باید وی تحت اقدامات تامینی قرار گیرند. به موجب ماده ۴ قانون اقدامات تامینی: «هر گاه مجرمین مجنون یا مختل المشاعر مخل نظم و امنیت عمومی بوده و دارای حالات خطرناک باشند و دادگاه تشخیص دهد که برای جلوگیری از تکرار جرم نگهداری یا معالجه در تیمارستان مجرمین لازم است در این صورت حکم به نگهداری با معالجه او در تیمارستان مجرمین خواهد داد.»

با این که تقریباً همه کشورها در مورد فقدان مسؤلیت کیفری مجرمان مختل المشاعر اتفاق نظر دارند اما رویه‌های متفاوتی در نحوه برخورد با بزهکاری آنان وجود دارد، که بحث در آن مورد در این مقال نمی‌گنجد. فلذا همان طور که مشخص است نگهداری از این افراد در تیمارستان در جهت پیشگیری از وقوع جرم در آینده از سوی آنان می‌باشد و این امر گامی بزرگ در جهت کاهش میزان جرایم از طریق اقدامات غیر کیفری است.

۳-۱-۴. اقدامات تامینی و مجرمین به عادت (مجرمین اعتیادی): با توجه به بند دوم ماده ۳ و ماده ۵ از قانون اقدام تامینی دومین گروهی که تحت اقدامات تامینی سالب آزادی قرار می‌گیرند مجرمین به عادت یا بزهکاران اعتیادی می‌باشند.

جرم اعتیادی، جرمی است مرکب از چند عمل (بر خلاف جرم مستمر که مرکب از چند عمل نیست) که هر یک به تنهایی قابل تعقیب نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳: ص ۱۹۲). به عبارت دیگر جرمی را که بطور مکرر انجام می‌گیرد بدون آنکه تکرار جرم محسوب گردد را جرم اعتیادی گویند (نوربها، ۱۳۸۶: ص ۲۳۱).

با توجه به ماده ۵ قانون اقدام تامینی و رویه محاکم قضایی ایران شرایط مجرم به عادت که باید مورد اقدامات تامینی و تربیتی قرار گیرند مطرح شده که بطور خلاصه عبارتند از:

- ۱- خلافی نبودن جرم ۲- عمدی بودن جرم ۳- داشتن مجازات حبس. ۴- بزهکار باید حداقل دو مرتبه محکوم به حبس بیشتر از دو ماه شده باشد. ۵- داشتن حالت خطرناک و میل به ارتکاب جرم. ۶- مجرم از طریق جرایمی مانند قوادی، فحشاء و ... امرار معاش کرده و آن را وسیله‌ای برای ارتزاق و گذراندن زندگی خود قرار دهد.

بزهکاران به عادت، مجرم می‌باشند زیرا مرتکب جرم شده‌اند، اما بزهکارانی هستند که به جای تحمیل کیفر نیازمند اصلاح و درمان کمی باشند. کسی که برای نخستین بار دست به ارتکاب جرم می‌زند و برابر موازین قانونی مجازات می‌شود با فردی که عادت به ارتکاب بزه پیدا کرده است تفاوت دارد. در مورد بزهکار اول اعمال کیفر با نقش ارعابی و بازدارنده آن می‌تواند در تنبه شخص و خودداری وی از انجام مجدد جرم موثر واقع شود. اما مجرم به عادت اینگونه نیست، زیرا با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که وی در آن قرار دارد تحمیل کیفر اثر مثبتی در آن ندارد (کی‌نیا، ۱۳۴۶: ص ۵۸۸).

در قانون اقدامات تامینی برای مداوای مجرمین اعتیادی مراکزی به نام تبعیدگاه در نظر گرفته شده است که این بزهکاران به منظور درمان و بازپروری باید به این مکانها اعزام و در آنجا تحت مراقبت قرار گیرند. که این مراقبت به نوعی مانع از تکرار جرم توسط این افراد می‌گردد.

۴-۱-۴. اقدامات تامینی و مجرمین ولگرد و بیکار: بسیاری از مجرمان به خصوص مکررین جرم و مشتریان دائمی زندانها، مجرمان بی کار و ولگرد می‌باشند. به نظر می‌رسد این افراد به لحاظ وضعیت خاص خود تحت هر شرایطی خصوصا در فصول سرد سال دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

ولگرد کسی است که محل اقامت ثابت و وسیله معاش معمولی و شغل یا حرفه یا کسب معینی ندارد (دانش، ۱۳۶۸: ص ۱۲۶). به کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی‌قیدی

و تنبلی در صدد تهیه کار برای خود بر نمی‌آیند ولگرد می‌گویند^۱.

هر چند خود ولگردی اصولاً از جرایم خلافی و سبک محسوب می‌گردد و لیکن از لحاظ اجتماعی و به جهت اینکه ولگردی می‌تواند سبب وقوع جرایم دیگری از جمله قتل، سرقت، اعمال منافی عفت و... گردد حائز اهمیت است. در این میان زنان و دختران ولگرد از حساسیت بیشتری برخوردار می‌باشند، اینان اکثراً آلوده به فحشا و منکرات می‌باشند. از یک طرف لزوم تهیه وسایل زندگی و از سوی دیگر نداشتن شغل و منبع درآمد مشروع، برای آنها راهی جز خود فروشی باقی نخواهد گذاشت (علمی، ۱۳۴۹: ص ۶۴). اعمال اقدامات تامینی و تربیتی بر مجرمین ولگرد و بیکار مانعی بر سر را انجام انواع جرایم بوده و راهی مناسب جهت پیشگیری از ارتکاب بزه‌های سنگین تر می‌باشد.

به موجب ماده ۶ قانون اقدامات تامینی که ناظر بر بند سوم ماده ۳ قانون مذکور می‌باشد بزهکاران ولگرد و بیکار می‌باید به کارگاه‌های کشاورزی و صنعتی اعزام گردند.

۵-۱-۴. اقدامات تامینی و مجرمین معتاد به الکل و مواد مخدر: از جمله بزهکاران خطرناک که باید از طریق اقدامات تامینی تحت درمان قرار گیرند، مجرمین معتاد به الکل، مواد مخدر و مواد روان گردان می‌باشند. اینان معمولاً به علت وابستگی خود به مواد یاد شده برای تهیه مواد مورد نیاز خود دست به ارتکاب هر عملی از جمله اعمال مجرمانه خواهند زد. بی توجهی به وضعیت آنان برای جامعه می‌تواند خطر آفرین باشد فلذا باید با مراقبت و مدارا در مراکز معالجه معتادین، اعتیاد و وابستگی آنها را از بین برد. جهت رفع خطر این افراد برای جامعه باید آنها را مراکز بازپروری اعزام نمود و آنان تا زمان قطع وابستگی خود به مواد اعتیاد آور در مراکز بازپروری تحت اقدامات مراقبتی و درمانی قرار می‌گیرند (قاسمی، ۱۳۷۴: ص ۱۴۰). در تحقیقی که در مورد ۱۴۰ زندانی بین ۲۰ تا ۲۵ سال در مرکز بازپروری (ریگرایلند) آمریکا به عمل آمده این نتیجه حاصل شده است که جنایتکاران، خصوصاً در جرایم مواد مخدر، از طریق معاشرت و دوستی با افراد جوان و کم تجربه موجب گرایش این افراد به بزهکاری شده اند (Haberfeld, 1992: p43). در واقع این اقدام نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که بیکاری و ولگردی سبب ارتکاب جرم از سوی آنهاست و هدف آن، تمرین دادن مجرمان به کار و منظم بودن است. چرا مقصود اغلب اینگونه از افراد از ارتکاب جرم کسب منافع مالی جهت تامین مخارج مواد مخدر و

^۱ ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴، اصلاحی ۱۳۵۲

الکل می‌باشد. لذا اعمال اقدامات تامینی نسبت به آنها و آموزش شغل یکی از بهترین راهکارهای حمایتی از جامعه و اصلاح مجرمین می‌باشد.

۶-۱-۴. اقدامات تامینی و اطفال بزهکار: یکی از موضوعاتی که امروزه در اکثر کشورهای جهان به عنوان یک معضل بزرگ مطرح می‌باشد، مساله بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌باشد. این پدیده همزمان با رشد جوامع و گسترش شهر نشینی و تمرکز جمعیت شهرها و حاشیه نشینی اطراف شهرها و از سویی دیگر با کم رنگ شدن ارزشهای اخلاقی و مذهبی و سست شدن بنیان خانواده ها و رواج مفاسد اجتماعی توسعه یافته است.

مسلمنا پیشگیری از بزهکاری اطفال در معرض ارتکاب جرم، و درمان طفل بزهکار به مراتب از کیفر دادن او موثرتر است، لذا اقدام صحیح درباره اطفال بزهکار اقدام تامینی می‌باشد. چرا که هدف از بازداشت یا حبس اطفال با هدف بازداشت بزرگسالان متفاوت است. ماده ۱۷ آیین نامه سازمان زندانها و ... آمده: «کانون اصلاح و تربیت، مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند» (زراعت، ۱۳۸۵: ص ۱۰۵).

روش‌های مختلفی برای برخورد با جرایم اطفال وجود دارد که اولین و مهمترین آن‌ها سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی اوست زیرا محیط خانواده و والدین بهتر با روحیات کودک آشنا هستند و می‌توانند در جهت انطباق او با زندگی اجتماعی اقدام نمایند. از دیگر اقدامات و روش‌ها می‌توان به سپردن طفل به والدین با الزام به تأدیب، سپردن با الزام به رعایت شرایط خاص، روش آزادی با مراقبت توسط مددکاران اجتماعی، سپردن کودک به یک خانواده مورد اعتماد و سایر روش‌های نیمه آزادی در محیط باز و بسته اشاره نمود. قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹ در خصوص اقدامات تامینی نسبت به اطفال بزهکار تفصیلی نداده و آن را به مقررات خاص از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون کانون اصلاح و تربیت و آیین نامه اجرایی آن محول کرده است.

نگهداری اطفال در محیط‌های بسته تحت عنوان کانون اصلاح و تربیت یا هر عنوان دیگر با دشواری‌های فراوان روبروست. با پذیرش کودک در یک محیط بسته رابطه او با بیرون و محیط آزاد قطع می‌شود و جدایی و دوری از خانواده و دوستان سبب اضطراب و تشویش، تألم و تأثر و گاهی خشم و غضب باطنی می‌گردد. لذا حتی الامکان باید اطفال را در محیط‌های باز نگهداری کرد و با اقدامات سازنده و فرهنگی مناسب و پرکردن اوقات وی، به علاوه امکان

ملاقات، مکاتبه و تلفن او را برای بازگشت به زندگی عادی اجتماعی آماده کرد (دانش، ۱۳۸۶: ص ۲۳۰).

لازم به ذکر است که در قانون اقدامات تأمینی جای حمایت‌های تربیتی و آموزشی از اطفال منحرف، ناسازگار و بزهکار خالی مانده است و بهتر می‌بود از آنجا که در مورد کنترل اطفال بزهکار اقدامات پیشگیرانه مقدم بر مجازات طفل می‌باشد؛ برنامه‌های تربیتی و پرورشی همراه با آموزش در دستور کار قرار می‌گرفت. اگر چه قانون مذکور این مهم را بر عهده قانون اصلاح و تربیت نهاده است، لکن شیوه صحیح‌تر این بود که چگونگی برخورد با اطفال در این قانون نیز بیان می‌شد.

۲-۴. اقدامات تأمینی محدود کننده حقوق:

هر چند اقدامات تأمینی و تربیتی با مجازات‌ها متفاوت می‌باشند و لیکن در مواردی این اقدامات به موجب حکم مستقل و به عنوان مجازات نسبت به اشخاصی که مرتکب جرم شده اند اعمال می‌گردد و گاهی نیز به عنوان مجازات تکمیلی و تمیمی و یا مجازات تبعی در کنار مجازات اصلی قرار می‌گیرد. در مواردی نیز این اقدامات جنبه جانشین مجازات (هم ارز کیفری) پیدا می‌کند.

اقدامات تأمینی و تربیتی که می‌تواند به موجب حکم مستقل و به عنوان نوعی مجازات سالب حقوق در نظر گرفته شود، معمولاً به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر اساس آن یک یا چند حق شخصی، اجتماعی، یا اقتصادی از مجرم سلب می‌شود. در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تمیمی در نظر گرفته شده است. مجازات سالب حقوق هر چند به عنوان مجازات، واجد وصف کیفری بوده و تابع اصول قانونی، تساوی و شخصی بودن مجازات است، اما با عنایت به این که تأمین امنیت اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم از آثار بارز آن محسوب می‌شود جنبه اقدام تأمینی نیز داشته و مهار حالت خطرناک و رفع زمینه‌هایی که می‌توانند مجرم را در مظان ارتکاب جرم قرار دهد هدف‌های آن را تشکیل می‌دهد.

در قوانین و مقررات محدودیت‌هایی برای اشخاص تحت عنوان اقدامات تأمینی وجود دارد که برخی از آنها را تحت عناوین ذیل بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۴. ممنوعیت اشتغال به کسب یا حرفه معین: به موجب ماده ۹ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی «هرگاه کسی به سبب اشتغال به کسب یا حرفه یا شغل معینی مرتکب جنحه یا جنایتی

گردد و اشتغال به آن کسب یا حرفه یا شغل احتیاج به اجازه مقامات رسمی داشته باشد در صورتی که مرتکب به علت ارتکاب این جرم قبلاً نیز محکوم شده باشد و اوضاع و احوال و روحیه متهم منطبق با ماده یک این قانون باشد دادگاه می‌تواند ضمن حکم محکومیت دستور منع اشتغال او را به کسب یا حرفه یا شغلش برای مدتی از سه ماه تا دو سال صادر نماید. « فلذا در مواردی که افراد با سوء استفاده از شغل خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند اعم از آن که شغل دولتی یا آزاد داشته باشند، ممکن است با محروم نمودن دائم یا موقت فرد از آن شغل از تکرار آن جلوگیری به عمل آید. مرتکب علاوه بر تحمل مجازات اصلی جرم ارتكابی، به مجازات‌هایی از قبیل محرومیت و انفصال دائم یا موقت از شغل و امثال آن‌ها بسته به نوع و میزان جرم محکوم شود. این اقدامات علاوه بر این که پیشگیری کیفری محسوب و موجب می‌شود سایرین از دست زدن به اقدام مشابه خودداری نمایند به نوعی پیشگیری وضعی نیز بوده و زمینه و فرصت تکرار جرم را از مجرم سلب می‌کند. به عکس اگر فرد در هر حال احساس امنیت شغلی نماید، ولو مجرم و متخلف باشد، چنین امنیت شغلی با امنیت جامعه در تعارض بوده و آن را به مخاطره می‌اندازد.

سیاست جنایی امروزی از یک سو برآن است تا شدت و به خصوص خود به خودی بودن و کورکورانه بودن حقوق محکومین به شیوه گذشته را که کلاً جنبه بیگانه و ناسازگار کننده دارد مردود اعلام کند و از سوی دیگر با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، و تحرک اقتصادی، شرایط شخصی مجرم و محیط اجتماعی وی، سعی بر آن دارد که یک نظام متفاوت از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به وجود آورد که هم قادر به حمایت از قربانیان احتمالی برخی فعالیت‌های اقتصادی یا حرفه‌ای باشد و هم خود مجرم را در مقابل برخی گرایش‌ها یا عاداتش حمایت نماید (آنسل، ۱۳۷۵: ص ۱۰۳).

در سیاست جنایی اسلام نیز، برخورد سخت و بازدارنده‌ای علیه کسانی که از موقعیت شغلی به ویژه مشاغل عمومی و دولتی سوء استفاده می‌کنند و مرتکب جرم می‌شوند در نظر گرفته شده است. نقل شده زمانی که به پیامبر (ص) خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمودند چرا آن چه حق تو نیست می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت خواهی گفت هدیه‌ای بود گرفتم. حضرت فرمود: اگر در خانه خود می‌نشستی و از طرف من زمامدار آن محل نبودی آیا مردم به تو هدیه‌ای می‌پرداختند؟ سپس دستور داد هدیه را گرفتند و به بیت المال دادند و او را از کار بر کنار فرمودند (نجفی، ۱۳۶۵: ص ۱۸۱).

از این نکته نباید غافل بود که محروم نمودن اشخاص از شغل و حرفه خود که از طرف بعضی نویسندگان به کیفر مرگ حرفه ای تعبیر شده موجب می‌شود تعادل زندگی مجرم به هم بخورد و مشکلات اقتصادی اجتماعی دامنگیر وی شود و جرایم دیگری در پی داشته باشد.

اعمال محدودیت‌های شغلی بر مجرمان به لحاظ نفع وضعی و موقعیتی که در دور ساختن فرد از حرفه هایی که بیم می‌رود با پرداختن به آن‌ها مرتکب جرم شوند، مورد توجه واقع شده و توسعه قابل توجهی پیدا کرده است که برخی از آنها که در قوانین دیگر پیش بینی شده است بشرح ذیل می‌باشد:

- قانون جلوگیری از احتکار (مصوب ۱۳۲۰)
- قانون مجازات پیشه وران و فروشندگانی که کالای خود را مخفی یا گران می‌فروشند (مصوب ۱۳۲۲)
- قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (مصوب ۱۳۳۴)
- قانون امور گمرکی (مصوب ۱۳۵۰)
- قانون راجع به الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۵۲).

نوع دیگر اقدامات تامینی در خصوص محرومیت از اشتغال مواردی از قبیل حق انتخاب شدن در مجالس قانون گذاری، عضویت در هیات‌های منصفه، مشاغل آموزشی، روزنامه نگاری، وکالت دادگستری و استخدام در سازمان‌های دولتی امثال آن می‌باشد. این محرومیت‌ها که به نوعی مجازات تبعی محسوب و به موجب ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی مقرر شده است، در واقع نوعی اقدام تامینی پیشگیرانه می‌باشد. در اینجا فرض است که وجود شخصی که مرتکب جرم شده است به دلیل داشتن حالت خطرناک دفاع اجتماعی را آسیب پذیر می‌سازد، در این نوع اقدامات جنبه حفظ امنیت و مصلحت جامعه بر بعد اصلاحی و تربیتی فرد بزهکار غلبه دارد (رهامی، ۱۳۸۱: ص ۱۷۷).

۲-۴. ممنوعیت اقامت در محل معین و اخراج اتباع بیگانه: بیگانه در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که تابعیت کشوری که در آن سکونت دارد را نداشته باشد. شخص خارجی که در ایران سکونت دارد مادام که رفتار ناقض قانون از خود بروز ندهد است حضورش خطری به همراه ندارد اما هنگامی که همین فرد به نقض قوانین و مقررات حاکم بر کشور مبادرت ورزید و جرمی را مرتکب شد باید در برابر او واکنش نشان داد (قاسمی، ۱۳۷۴: ص ۱۵۴).

به موجب ماده ۱۰ قانون اقدامات تامینی: «دادگاه می‌تواند در مورد هر خارجی که در ایران مرتکب جرم گردیده ولی به علت غیر مسئول بودن معاف از مجازات شناخته شود او را به منع اقامت در خاک ایران محکوم نماید.» همچنین به موجب در ماده ۱۱ قانون مزبور مقرر گردیده است: «دادگاه می‌تواند هر خارجی محکوم به حبس را پس از اجرای مجازات برای مدت سه تا پانزده سال محکوم به اخراج از خاک ایران نماید. هر گاه خارجی به طور مشروط آزاد گردیده و در مدت آزادی شروط از خود رفتار خوب بروز داده است دادگاه می‌تواند دستور اخراج او را لغو نماید. در مورد تکرار جرم ممکن است دستور اخراج دائم به طور دائم صادر شود.»

این دو ماده نوعی اقدام تامینی در خصوص بزهکاران خارجی است که در ایران اقامت دارند. ماده ۱۰ قانون اقدامات تامینی در خصوص خارجیانی اعمال می‌گردد که به علت غیر مسئول بودن معاف از مجازات شناخته می‌شوند ولی ماده ۱۱ قانون مزبور مربوط به خارجیان مسئول می‌باشد. اخراج این خارجیان در واقع نوعی اقدام تامینی پیشگیرانه می‌باشد. اخراج از کشور در خصوص اتباع داخلی که مرتکب بزه می‌گردند امکان پذیر نیست لیکن می‌توان آنها را در داخل کشور به نقاط دیگری از کشور تبعید کرد. در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ آمده است: «دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات باز دارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع نماید.»

موضوع اجبار یا منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین در برخی قوانین دیگر نیز آمده است که اقدامی پیشگیرانه محسوب می‌شود. به عنوان مثال، تبصره الحاقی ماده ۳۵ قانون گذرنامه نیز بیان داشته است:

«کسانی که به تبع اغنام و احشام با سوءنیت مرتکب عبور غیر مجاز از مرز شده باشند به مجازات فوق محکوم می‌گردند و صاحب اغنام و احشام که عبور از مرز با علم، اطلاع یا به دستور او بوده، برای مدت پنج سال از سکونت در نوار مرزی محروم می‌شود.»

توجه به ممنوعیت اقامت در محل معین و یا تبعید در محل معین، به عنوان یک اقدام تامینی و پیشگیرانه در سیاست جنایی اسلام مد نظر بوده است. در سیره رسول گرامی اسلام نقل شده است که آن حضرت شخصی به نام حکم بن عاص را به دلیل اینکه در راه رفتن و بعضی حرکات خود تشبه به رسول خدا کرده و ایشان را مورد استهزا قرار می‌داد را به طایف تبعید کردند (موسوی اردبیلی، ۱۳۱۳ ه.ق: ص ۶۸۰). همچنین شخص مخنثی را که دست و پای خود را با

حنا رنگین کرده و خود را به صورت زنان می‌آراست و موجب مفسده می‌شد به نفع تبعید نمود (منتظری، ۱۴۱۱ ه.ق: ص ۳۲۴).

۳-۲-۴. محدودیت اعمال حقوق ولایت، حضانت، قیمومت و امثال آن: این تدبیر بیشتر در مواردی قابل اعمال است که افراد از حقوق خود سوء استفاده نموده و مرتکب جرم می‌شوند. برای مثال پدری که اطفال خود را تحت سرپرستی خویش دارد و از همسر خود جدا زندگی می‌کند در صورت ارتکاب جرم علیه اطفال از طریق آزار و اذیت، عدم انفاق، سلب آزادی و غیره، با محروم کردن وی از حق حضانت اطفال، می‌توان زمینه بروز این گونه جرایم و گاهی جرایم شدیدتر که شخص دارای حالت خطرناک است و احتمال بروز آنها می‌رود، را از بین برد.

به عنوان مثال به موجب ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربا یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.»

ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی در این مورد بیان می‌دارد:

در مواردی که ولی قهری طفل توانایی اداره کردن اموال مولی علیه خود را نداشته باشد یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل یا خیانت گردد دادگاه با ضم امین امکان وقوع جرم علیه اموال صغیر را سلب می‌نماید. پیش بینی موارد یاد شده فوق به جهت حفاظت از آماج‌های جرایم و گرفتن فرصت‌ها و موقعیت‌های مجرمانه است.

۳-۴. اقدامات تامینی راجع به اموال

این دسته از اقدامات تامینی، وجهه تربیتی کمتری دارند و بیشتر از حیث احتیاطی مدنظر می‌باشد.

با توجه به اینکه پدیده جرم همانند سایر پدیده‌ها ابتدائاً و یک باره واقع نمی‌شود، بلکه از لحظه تکوین ذهنی تا تحقق خارجی مسیری را طی می‌کند و مراحل را پشت سر می‌نهد، یکی از آنها مرحله تهیه مقدمات است. در این مرحله، مرتکب آلات و ادوات جرم را تهیه و تدارک می‌بیند؛ به عبارت دیگر اندیشه جرم و تصمیم بر ارتکاب آن از ضمیر و درون شخص به خارج و بیرون انتقال می‌یابد و فاعل در صدد تهیه و تدارک مقدمات لازم برای ارتکاب جرم بر می‌آید. مثلاً به قصد سرقت کلید تهیه می‌کند و یا سلاح می‌خرد. بزهدکار در این مرحله هنوز به مرحله

اجرا گام نهاده است. می‌توان با انجام مداخلاتی در این مرحله به نوعی موجب پیشگیری از وقوع بزه گردید.

اقدامات تأمینی مالی که می‌تواند موجب پیشگیری از وقوع جرم گردد به شرح زیر می‌باشد:
۱-۳-۴. ضبط اشیاء خطرناک: یکی از اقدامات تامینی مالی ضبط اشیاء خطرناک می‌باشد. در این جا سخن از فرد نیست بلکه شی، مورد نظر است که باید آن را ضبط کرد و از دسترس عموم دور نگاه داشت. این شی اعم از وسیله‌ای است که با استفاده از آن جرمی واقع شده است و یا وسیله و یا اشیایی است که در نتیجه ارتکاب جرم توسط مجرم به دست آمده است. به این ترتیب هر شی را نمی‌توان مشمول مقررات این قانون دانست و به عنوان اقدام تامینی احتیاطی نسبت به ضبط آن اقدام کرد.

بر اساس ماده ۱۳ قانون اقدامات تامینی: « اشیایی که آلت ارتکاب جرمی بوده و یا این که در نتیجه جرم حاصل شده باشد در صورتی که وجود آنها موجب تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد بر حسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آنها صادر می‌شود ولو آن که هیچ کس را نتوان تعقیب یا محکوم نمود. دادگاه حق دارد دستور دهد که اشیاء ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده و یا آنها را نابود نمایند. »

۲-۳-۴. ضمانت احتیاطی: از جمله اقدامات تامینی ضمانت احتیاطی می‌باشد. ضمانت احتیاطی هنگامی درباره مجرم مورد استفاده قرار می‌گیرد که فرد مشخصی را به ارتکاب یا تکرار جرمی تهدید کرده باشد. جرمی که در اینجا واقع می‌شود تهدید به قتل و ضرب و جرح می‌باشد. با توجه به ماده ۱۴ قانون اقدامات تامینی اعمال ضمانت احتیاطی در دومورد بکار می‌رود: ۱- تهدید به ارتکاب جرم ۲- اعلام تکرار جرم.

پس از احراز این شرایط و اعلام دادگاه، فرد تهدید کننده دو وظیفه بر عهده دارد که در صورت ایفای آن وظایف آزاد و الا دادگاه دستور توقیف موقت او را حداکثر تا دو ماه صادر خواهد کرد.

۱- تعهد کند دست به ارتکاب جرم یا تکرار آن نزند. ۲- وجه الضمان متناسب با جرمی که تهدید به انجام آن کرده و یا تکرار آن را اعلام داشته است بسپارد.

در واقع ضمانت احتیاطی یک تضمین مالی برای التزام به عدم ارتکاب جرم است. ضمانت احتیاطی در قوانین خارجی برای تضمین به حسن رفتار نیز اخذ می‌گردد اما در قانون ما منحصر در خودداری از ارتکاب جرم است. اقدامات تامینی با هدف اصلاح یا درمان مجرم بکار می‌روند اما اخذ وجه الضمان چنین هدفی را تأمین نمی‌کند و صرفاً برای پیشگیری از ارتکاب جرم است.

۳-۳-۴. بستن مؤسسه: بستن مؤسسه نیز همانند ضبط اشیاء خطرناک از جمله اقدامات تامینی مالی می‌باشد، زیرا در اینجا فرد مجرم و اصلاح و درمان او مطرح نیست بلکه مؤسسه ای با لحاظ شرایطی که در قانون معین شده است، باید تعطیل شود و از ادامه فعالیت در چنین محلی که به ضرر جامعه و مردم می‌باشد جلوگیری بعمل آید. برای این که بدانیم کدام مؤسسه باید به عنوان اجرای اقدامات تامینی مالی و غیره بسته شود، لازم است به قانون مراجعه شود و این امر صرفاً بر اساس قانون باشد. ماده ۱۵ قانون اقدامات تامینی در این باره می‌گوید: «هر مؤسسه که وسیله برای ارتکاب جرم گردد از قبیل: مؤسساتی که در آنها فروش اجناس قاچاق یا مواد مخدر یا سمیات غیر از آن چه برای احتیاجات طبی یا کشاورزی است به عمل می‌آید یا مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود بسته خواهد شد.»

به این ترتیب تنها شرطی که قانون گذار برای تعطیل کردن یک مؤسسه در نظر گرفته است، استفاده از مؤسسه به عنوان وسیله ای برای ارتکاب جرم می‌باشد. محلی که در آن عمل ناقض قوانین و مقررات حاکم بر اجتماع و محل نظم، امنیت و آسایش عمومی انجام می‌گیرد و مؤسسه ای که در آن زمینه ارتکاب جرم فراهم شود نباید به فعالیتش ادامه دهد. هر چند بستن چنین مکانهایی به منظور جلوگیری از تکرار جرم و نهایتاً حمایت از جامعه می‌باشد، اما در پیشگیری از وقوع جرم نیز بی‌تاثیر نخواهد بود (قاسمی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۳).

بستن مؤسسه از جمله اقدامات تامینی می‌باشد که جنبه خنثی سازی دارد. در صورتی که بستن یا انحلال مؤسسه به علت حالت خطرناکی بوده که محل مزبور ایجاد کرده، چنانچه آن حالت برطرف و اشخاص دیگری بخواهند به صنعت قبلی در آنجا بپردازند منع مذکور موردی ندارد، زیرا ملاک، وجود حالت خطرناک است نه مجازات افراد دیگر. در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز علاوه بر مجازات کسانی که اقدام به دایر کردن مرکز فساد و فحشا نموده اند، محل مذکور به طور موقت با حکم دادگاه بسته خواهد شد (رهامی، ۱۳۸۱: ص ۱۸۲).

در سیاست جنایی اسلام نیز این اقدام تامینی تجویز شده است که از جمله آنها تخریب مسجد ضرار به دستور پیامبر (ص) می‌باشد. برابر آنچه مفسرین و سیره نویسان نوشته اند عده ای از منافقین مدینه از طایفه بنی تمیم و ابن عوف در هنگامی که پیامبر (ص) عازم جنگ تبوک بودند، جهت متفرق نمودن مسلمین و ایجاد فتنه، و در ظاهر به عنوان ایجاد مرکز عبادت، اقدام به ساختن مسجدی در نزدیکی مسجد قبا کردند، پیامبر (ص) پس از بازگشت از غزوه تبوک با

نزول آیه ۱۰۷ سوره توبه، به دستور پروردگار دستور تخریب مسجد و آتش زدن آن را دادند تا مرکز فساد و تفرقه از بین برود (طباطبایی، ۱۳۹۴ ه.ق: ص ۴۱۱).

۳-۴-۴. انتشار حکم و لطمه زدن به شهرت مجرم: از جمله اقدامات تامینی و تربیتی مسئله انتشار و اعلان حکم می‌باشد تا بدین طریق هم عبرتی برای افراد جامعه باشد تا گرد چنین جرمی نگردند و هم موجب شناسایی محکوم علیه شود تا مردم با شناختن او مواظب روابط خود و فرزندان و کسان خویش با چنین فردی شوند (صانعی، ۱۳۷۱: ص ۲۳۹).

با توجه به ماده ۱۷ قانون اقدامات تامینی هرگاه منافع عمومی و یا منافع مدعی خصوصی ایجاب نماید دادگاه صادر کننده حکم دستور انتشار حکم را پس از قطعیت به هزینه محکوم علیه صادر می‌نماید.

چاپ و نشر حکم در مطبوعات و رسانه‌ها اگرچه ممکن است یک ضمانت اجرا با کارایی کم به نظر برسد اما معمولاً در قلمرو حقوق کار، حقوق اقتصادی و وسایر بخش‌ها مفید و بازدارنده است. در مرحله اول شهروندان را از جرایم ارتكابی مطلع و اشخاص ثالث را تشویق به احتیاط بیشتر می‌کند، به علاوه یک تبلیغ متقابل نیز بوده و با جلب توجه مردم به موارد بزهکاری و نقض قانون موجب احتیاط بیشتر، پیشگیری از جرم و کاهش بزه دیدگی خواهد بود. (بولک، ۱۳۷۲: ص ۷۴).

در مواقعی نیز جرم علیه منافع عمومی بوده و در واقع عدالت قضایی را به مخاطره می‌اندازد. برای مثال عده‌ای از بزهکاران حرفه‌ای در اطراف دادگاه‌ها حضور یافته و با دریافت وجه به نفع افرادی شهادت دروغ می‌دهند. بنابراین اگر پس از کشف شهادت کذب توسط این افراد و مجازات مطابق موازین قانونی، اسامی آنان در لیست افراد ممنوع الشهادت در دادگاه‌ها قرار گیرد و سابقه آنان مورد توجه واقع شود اقدامی مثبت در جهت پیشگیری از بزهکاری و تکرار عمل مجرمانه آنها خواهد بود.

با توجه به لزوم حضور مومنین در هنگام اجرای حد زنا که مورد قبول و تایید قرآن مجید قرار گرفته است « الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده و لا تاخذکم بهما رافه فی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر، ولیشهد عذابهما طائفه من المومنین^۱ » یعنی هر یک زن و مرد زناکار را یکصد ضربه تازیانه بزنید، و نباید رافت و محبت کاذب نسبت به آن دو شما را از

^۱ سوره نور، آیه ۲

اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خداوند و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مومنان مجازاتشان را مشاهده کنند.

از جمله مسائلی که در این آیه مورد تاکید قرار گرفته است، حضور طایفه ای از مومنین هنگام اجرای حد می‌باشد. در اینکه طائفه به چند نفر صدق می‌کند، بین مفسران اختلاف نظر است و عده‌ای گفته اند سه نفر و بیشتر باید حضور داشته باشند (اردبیلی، ۱۳۸۵ ه. ق: ص ۶۶۰). حضور این افراد به عنوان شاهد اجرای حکم به جهت بازداشتن مردم از ارتکاب چنین عمل قبیحی است (سیوری حلی، ۱۳۴۳ ه. ق: ص ۳۴۲).

نتیجه گیری

با عنایت به هزینه‌های بسیار سنگینی که جرم از جهات متعدد برای جامعه در بر دارد از جمله دغدغه‌های نظام عدالت کیفری، مساله کاهش میزان ارتکاب جرم و یا حداقل ثابت نگه داشتن نرخ ارتکاب جرم می‌باشد. این امر که از جمله غایات علم جرم شناسی می‌باشد، در قالب تئوری‌ها و نظریات متعددی در باب علت وقوع جرم تبیین شده است. جهت تحقق این هدف شاخه ای از این هدف شاخه ای از علم جرم شناسی عملی یا کاربردی به جرم شناسی پیشگیری، اختصاص یافته است.

حقوقدانان کیفری نیز از جمله اهداف اعمال مجازات یا واکنش سرکوبگرانه علیه مجرم را مساله بازدارنگی^۱ و یا پیشگیری عام و پیشگیری خاص از ارتکاب جرم دانسته اند. روش‌هایی پیشگیری، همانند خود جرم، گونه‌های متعددی را شامل می‌گردد. گونه‌هایی که حسب مورد ابعادی فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، و آموزشی، و در گام نهایی کیفری به خود می‌گیرد. برخی گونه‌های قبل از ارتکاب جرم و به منظور جلوگیری از وقوع جرم اعمال می‌گردد و برخی دیگر پس از وقوع جرم و به منظور جلوگیری از تکرار جرم می‌باشد. از جمله اقداماتی که در جهت مقابله با بزهکاری و پیشگیری از تکرار جرم از طریق خنثی نمودن حالت خطرناک اعمال می‌گردد و مورد توصیه جرم شناسان و حقوقدانان کیفری می‌باشد اقدامات تامینی می‌باشد. این اقدامات هر چند معمولاً پس از وقوع جرم، و به منظور جلوگیری از تکرار جرم صورت می‌پذیرد ولیکن دارای ماهیتی و غایتی متفاوت از مجازات‌ها می‌باشند.

^۱ Deterrence

قسمت عمده ای از این اقدامات در حقوق ایران در قانونی تحت عنوان اقدامات تامینی به نحو جامع و در سایر قوانین به نحو پراکنده بیان شده است. در این زمینه می‌توان به چگونگی تاثیر انواع این اقدامات در پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد:

نگهداری محکوم به حبس در تبعیدگاه برای مدت نامعینی به منظور پیشگیری از تکرار جرم یک اقدام پیشگیرنده کیفی و پسینی و نگهداری بیماران روانی در تیمارستان جهت حفظ جامعه از خطر احتمالی تهدید کننده از سوی این افرادو درمان آنها به عنوان یک اقدام پیشگیرنده کنشی میباشد. اقدامات تامینی نسبت به مجرمین به عادت که عملا اقدامات کیفی و اعمال مجازات بر آنها بی اثر می‌باشد در جهت درمان و اصلاح این افراد با هدف ممانعت از تکرار جرمونگهداری مجرمین بیکار و ولگرد در کارگاههای کشاورزی و صنعتی با این استدلال که هر چند خود ولگردی اصولا از جرایم خلافی و سبک محسوب می‌گردد و لیکن از لحاظ اجتماعی و به جهت اینکه ولگردی می‌تواند سبب وقوع جرایم دیگری از جمله قتل، سرقت، اعمال منافی عفت و... گردد حائز اهمیت است و همچنین نگهداری اطفال در کانون اصلاح و تربیت به منظور تربیت، آموزش و پرورش و باز اجتماعی کردن طفل برای ورود دوباره او پس از انجام جرم به جامعه با هدف پیشگیری از ارتکاب جرایم جدید از سوی طفل تحت عنوان اقدام پیشگیرنده کیفی خاص، ممنوعیت اشتغال به کسب یا حرفه معین و ممنوعیت اقامت در محل معین و یا تبعید در محل معین، به عنوان یک اقدام تامینی و پیشگیرانه که در سیاست جنایی اسلام نیز مد نظر بوده است که به نوعی اقدامی غیر کیفی و به عنوان پیشگیری وضعی بوده و فرصت ارتکاب و تکرار جرم را از مجرم سلب می‌کند و در نهایت اقدامات تامینی نسبت به اموال که در جای خود یک عامل مهم در جهت خودداری از ارتکاب بزه است.

متأسفانه علی‌رغم اینکه قانون اقدامات تامینی که از جمله قوانین قدیمی و بسیار خوب و جامع در کشورمان این اقدامات و نحوه اعمال آن را تشریح نموده است، به دلایل گوناگون در عمل این قانون و سایر تدابیر تامینی چندان مورد توجه قضات قرار نگرفته است. علی‌رغم ضرورت اعمال این اقدامات به منظور صیانت جامعه و کاهش هزینه‌های جرم، سازو کار و زیر ساختهای کافی نیز در کشورمان جهت اعمال این اقدامات فراهم نشده است. به نظر می‌رسد از جمله رسالت مشترک حقوقدانان و جرم شناسان کشورمان در این زمینه، توجیه و تبیین بیشتر این تدابیر، ایجاد زیر ساخت ها و سخت افزارهای لازم برای اعمال این قانون، دوستی و آشنایی بیشتر جامعه قضایی کشورمان با این تدابیر و نهایتا اعمال این تدابیر به نحو منعکس شده در قوانین به منظور اهداف یاد شده می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- ۱- آقایی، مجید، (۱۳۸۶)، مکاتب کیفری) تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- ۲- آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، (دفاع اجتماعی)، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۳- بولک، برنار، (۱۳۷۲)، (کیفر شناسی)، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۳)، (ترمیمولوژی حقوق)، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵- دانش، تاج زمان (۱۳۶۸)، (حقوق زندانیان و علم اداره زندان‌ها)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۶- دانش، تاج زمان، (۱۳۸۶)، (دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی)، تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- ۷- رهامی، محسن، (۱۳۸۱)، (اقدامات تامینی و تربیتی)، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ۸- زراعت، عباس، (۱۳۸۵)، (حقوق جزای عمومی)، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول، جلد دوم.
- ۹- شاکری، ابوالحسن، (۱۳۸۲)، (قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم)، مجموعه مقالات راجع به قوه قضاییه و پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول.
- ۱۰- صاعی، پرویز، (۱۳۷۱)، (حقوق جزای عمومی)، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم.
- ۱۱- صفاری، علی، (۱۳۸۰)، (مبانی نظری پیشگیری وضعی، (مجله تحقیقات حقوقی)، شماره ۳۳-۳۴.
- ۱۲- علمی، رضا، (۱۳۴۹)، (جرم شناسی)، تهران: انتشارات اقبال، چاپ اول.
- ۱۳- قاسمی، ناصر، (۱۳۷۴)، (اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران)، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- ۱۴- کی‌نیا، مهدی، (۱۳۴۶)، (علوم جنایی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، جلد سوم.
- ۱۵- کسن، موریس، (۱۳۸۵)، (اصول جرم‌شناسی)، ترجمه میرروح‌اله صدیق، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- ۱۶- گسن، ریمون، (۱۳۷۰)، (جرم شناسی کاربردی)، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مترجم، چاپ اول.
- ۱۷- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۴)، (بایسته‌های حقوق جزای عمومی)، تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم.
- ۱۸- معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، (پیشگیری جرم شناختی، (فصلنامه مجد)، شماره اول.
- ۱۹- معین، محمد، (۱۳۸۱)، (فرهنگ فارسی)، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ نوزدهم، جلد اول.

- ۲۰- نوربها، رضا، (۱۳۸۶)، (زمینه حقوق جزای عمومی)، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ هجدهم.
- ۲۱- وایت، راب و هیپز، فیونا، (۱۳۸۳)، (جرم و جرم‌شناسی)، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- ۲۲- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، (مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی)، شماره ۲۶-۲۵.
- ۲۳- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، (۱۳۸۲)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، (مجله الهیات و حقوق)، شماره ۹ و ۱۰.
- ۲۴- نیازپور، امیر حسین، (۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، (مجله حقوقی دادگستری)، سال شصت و هفتم، شماره ۴۵.

ب) منابع عربی:

- ۲۵- اردبیلی، احمدبن محمد، (۱۳۸۵ ه.ق)، (زبدہ البیان فی الحکام القرآن)، نجف اشرف: چاپ دوم.
- ۲۶- سیوری حلی، جمال الدین بن مقداد، (۱۳۴۸ ه.ق)،
- ۲۷- (کنزالعرفان فی تفسیر القرآن)، تهران: المکتبه المرتضویه، چاپ اول.
- ۲۸- منتظری، حسینعلی، (۱۴۱۱ ه.ق)، (دراسات فی ولایه الفقیه)، قم: دارالفکر، چاپ اول.
- ۲۹- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۱۳ ه.ق)، (فقه الحدود و التعزیرات)، قم: مکتبه امیرالمومنین، چاپ اول.
- ۳۰- نجفی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵ ه.ش)، (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد هجدهم.

ج) منابع انگلیسی:

- 31- Ashworth (A), (1991), (Principles of Criminal Law), Oxford university, first published.
- 32- Haberfeld, M. R. (1988), (Criminal careers City University of NewYork Deg. P.H.D).
- 33- Wolfgang- Marvin, Robert- M. Filigo and Thorsten – sellin, (1972), (Delinquency in a Birth), cohortn university of Chicago press.